

ارزیابی تأثیر شهرک‌های صنعتی بر کیفیت زندگی نواحی روستایی پیرامونی (مورد مطالعه: شهرک صنعتی شریف، شهرستان ابهر)

مجتبی قدیری معصوم* - استاد و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
محمد رضا رضوانی - استاد و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
مهدی حاجیلو - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۸

چکیده

ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی، یکی از رویکردهای رایج صنعتی‌سازی در کشورهاست که به منظور تسهیل و تمرکز فعالیت‌ها انجام می‌شود. درحقیقت، توسعه این قبیل مناطق صنعتی، محرک مناسبی برای افزایش تولید و بهبود بهره‌وری صنایع فعال است. در نتیجه، افزایش پایداری، فرایند صنعتی‌سازی در روستا و کشور را امکان‌پذیر ساخته است. به عبارتی فرایندی در جهت دگرگونی فناورانه در راستای بهبود کیفیت زندگی، به ویژه در مناطق روستایی بوده است و شکوفایی و توسعه روستا و کل کشور را به همراه داشته است. پژوهش حاضر نقش شهرک صنعتی شریف بر کیفیت نواحی روستایی در شهرستان ابهر، بخش مرکزی، دهستان حومه را بررسی می‌کند. روش پژوهش کتابخانه‌ای - پیمایشی (پرسشنامه‌ای) است. برای تعیین پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. پایایی پرسشنامه‌ها برابر با ۰/۹۲۶ است که رقم مناسبی برای این امر به شمار می‌رود. جامعه آماری، شامل روستاییان مناطق مورد مطالعه و نمونه آماری از بین روستاییان این نواحی است. برای نمونه‌گیری، ابتدا براساس روش کوکران، تعداد نمونه‌ها تعیین شد و سپس نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در مجموع، ۳۰۴ پرسشنامه تکمیل شد و در ادامه، برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون one sample t-test استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که ایجاد شهرک صنعتی شریف، بر مجموع شاخص‌های کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه اثر مطلوب داشته است. در این میان، شاخص اشتغال، بیشترین تأثیر و شاخص بهداشت، کمترین تأثیر را از این شهرک پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: دهستان مرکزی، روستا، شهرستان ابهر، شهرک صنعتی، کیفیت زندگی.

مقدمه

امروزه صنعت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها در توسعه، به‌ویژه توسعه مناطق محروم، نقشی محوری دارد. این نقش، شاید برخاسته از آن است که عوامل تولید در بخش صنعت، در مقایسه با کشاورزی، قابلیت جابه‌جایی و انعطاف‌پذیری بیشتری در برابر شرایط، اوضاع و احوال محیطی - منطقه‌ای و ملی دارد؛ بنابراین، از جمله راهبردهای توسعه سکونتگاه‌های روستایی، صنعتی‌کردن آن‌ها در قالب ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی در جوار این مناطق است (قدیری معصوم و دیگران، ۱۳۹۱: ۶). وجود فعالیت‌های غیر کشاورزی در روستا و ایجاد زمینه و درآمد از این فعالیت‌ها، روند توسعه روستایی را تسهیل می‌کند (قره‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۹). صنعتی‌سازی روستاها با تحول در اقتصاد روستایی، از وضعیتی که جمعیت عموماً در تولید کشاورزی فعالیت می‌کند، به وضعیتی که در آن، فعالیت غیر کشاورزی جایگاه مهمی دارد، شناخته می‌شود (حنان، ۱۹۹۵: ۴۳). به‌همین دلیل، صنعتی‌شدن روستایی، جایگاه مهمی در راهبردها و سیاست‌های کشورهای درحال توسعه دارد (وانگ، ۲۰۰۱: ۵) و این کشورها راهبرد صنعتی‌سازی روستاها را از اواسط دهه ۱۹۷۰ در برنامه‌های توسعه خود گنجانده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). محدودیت امکانات اشتغال در روستاها از یک‌سو و توسعه خدمات و امکانات در نواحی شهری از سوی دیگر، سبب افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود. علاوه‌براین، کشاورزی از نظر ایجاد اشتغال جدید، قادر به پاسخگویی به نیازهای شغلی جوانان نیست. صنعتی‌شدن روستاها به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های مناسب برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و درنهایت، توسعه صنعتی کشور بیشتر ضرورت می‌یابد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۴).

نظریه صنعتی‌شدن مناطق روستایی، کاتالیزوری در راستای ایجاد اشتغال پایدار و نیز آخرین چاره برای حل مشکل فقر مناطق روستایی است که هم‌اکنون، امکانی بالقوه برای حل مسئله بیکاری و عامل تسکین‌بخشی برای نواحی محروم روستایی قلمداد می‌شود (سامال، ۱۹۹۷: ۵۷). براساس این دیدگاه، صنعتی‌شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیر کشاورزی، عاملی مهم در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های روستایی است (لی، ۲۰۰۱: ۳؛ طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۴). همچنین با توجه به رشد بالای جمعیت و محدودیت زمین‌های کشاورزی، می‌توان از طریق صنایع روستایی و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، بخش قابل قبولی از نیروی کار را جذب کرد، آهنگ رشد نرخ بیکاری را کاهش داد و زمینه را برای توسعه روستاها هموارتر ساخت (ماران، ۲۰۰۷: ۸۶). این امر، علاوه بر افزایش میزان اشتغال به‌عنوان یکی از بخش‌های غیر کشاورزی، به افزایش درآمدهای غیر محلی منجر می‌شود و به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم در مدرن‌سازی بخش کشاورزی، نقش عمده‌ای دارد (داس، ۲۰۱۱: ۱). با توجه به این امر مهم، در دهه اخیر، استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی، در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). تجارب کشورهای پیشرفته و درحال توسعه، گویای آن است که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا حوزه نفوذ شهرها و مجتمع‌های زیستی موجود، دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و تغییرهای کالبدی - فضایی و زیست‌محیطی را در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است. ماهیت، دامنه و چگونگی این دگرگونی‌ها، از یک سو تابع ویژگی‌های محیطی، توان طبیعی و مقتضیات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور و منطقه است و از سوی دیگر به اهداف، اندازه، کارکرد و به‌ویژه الگوی مکان‌یابی مجتمع‌ها و شهرک‌های جدید در فضا بازمی‌گردد (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). در مجموع، نظریه پردازان، ایجاد شهرک‌های صنعتی را عاملی مثبت در توسعه روستا و ماندگاری روستاییان دانسته‌اند. درحقیقت، این مسئله عاملی برای تغییر فعالیت‌ها از کشاورزی سنتی به فعالیت‌های کشاورزی مدرنیزه و گرایش به فعالیت‌های خدماتی و صنعتی به‌شمار می‌رود که در بهبود شرایط روستا مؤثر است. از این‌رو، پژوهش حاضر ضمن بررسی جایگاه و اهمیت شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی، درصدد بررسی موردی تأثیر آن بر ابعاد کیفیت زندگی روستاییان در شهرستان ابهر است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا تأسیس شهرک صنعتی شریف، بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان نواحی پیرامونی، تأثیرگذار بوده است.

پژوهش‌های زیادی درباره نواحی صنعتی و آثار و پیامدهای آن در فضاهای جغرافیایی صورت گرفته است (اسکولت و دیگران، ۲۰۰۷: ۹۴). اولین مطالعه‌های ارزیابی در جهت شناخت پیامدهای صنعتی شدن روستایی در دهه ۱۹۸۰، با هدف شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های استقرار صنعت به شکل منطقه‌ای و موردی در مناطق روستایی کشورهای درحال توسعه آغاز شد. در دو دهه اخیر مطالعه‌های زیادی در مورد استقرار صنعت و آثار و پیامدهای آن در فضاهای جغرافیایی صورت گرفته است. مهم‌ترین پیامدهای آن، ایجاد رفاه، افزایش درآمد و فرصت‌های شغلی ذکر شده است (اسکوت، ۲۰۰۲: ۳۶۲) که ابعاد متفاوتی چون پس‌انداز، مسکن، بهداشت، بیمه، تغییر الگوی مصرف، بهبود آموزش و بهبود گذران اوقات فراغت را دربرمی‌گیرد. در این بخش، به نمونه‌هایی از مطالعه‌های خارجی و داخلی در زمینه پیامدهای استقرار صنعت در نواحی روستایی می‌پردازیم.

راجرز (۱۹۷۸: ۲۵) با بررسی استقرار صنعت در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می‌دهد که صنعتی شدن روستایی منافع بسیاری را برای اجتماع‌های مورد مطالعه دربرداشته است؛ به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها شده است. از نظر نایاک (۱۹۹۴: ۲۱۹)، تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری در مناطق روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی است و برنامه‌ریزی برای استقرار صنعت در این‌گونه مناطق، ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق می‌سازد. شای (۱۹۸۵: ۱۹۵) با بررسی سیاست‌های توسعه روستایی در کشو تايوان، ظهور تخصص‌گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیر کشاورزی را از آثار استقرار شهرک‌های صنعتی در مناطق روستایی می‌داند.

ریزوانول معتقد است که با استقرار صنعت در مناطق روستایی، گرایش شایان توجهی به افزایش مصرف مواد غذایی و نیز خرید کالاهای مصرفی بادوام در پاره‌ای از مناطق روستایی چین به وجود آمده است. تبیین الگوی ریزوانول در نواحی صنعتی روستایی مورد مطالعه، همگنی و شباهت قابل قبولی دارد؛ به طوری که تحلیل‌های آماری که در دوره قبل و بعد از اشتغال انجام پذیرفته، تفاوت معناداری بین الگوی مصرف مواد غذایی و نیز خرید کالاهای مصرفی بادوام را نشان می‌دهد. اگرچه این تغییرها معنادارند، نیازمند تعمق بیشتری هستند. آبراهام (۱۹۹۴: ۶۲۴) نیز با بررسی الگوی صنعتی شدن روستایی هند معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی، نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و درآمد داشته است. صنعتی شدن روستایی با استفاده از منابع محلی، الگوی نامتمرکز بودن صنایع را تحکیم می‌سازد؛ پلی است که بین مناطق شهری و روستایی پیوند ایجاد می‌کند و درواقع، اختلاف زندگی در نواحی شهری و روستایی را کاهش می‌دهد.

غفاری و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی رابطه میان صنعت و کیفیت زندگی در شهرستان قروه پرداخته‌اند که با استفاده از روش‌های کمی و کیفی (بحث گروهی و مصاحبه عمیق) به بررسی موضوع پرداخته‌اند. جامعه آماری پژوهش، دو دهستان از توابع شهرستان قروه در استان کردستان است. آن‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که تأسیس صنعت، کاتالیزوری بوده است که روند عرضه امکانات و خدمات مانند جاده آسفالت، تلفن و گاز را به روستاهای منطقه تسریع کرده است. در مقابل، بهره‌برداری از صنعت و نیاز به نیروی کار ماهر، موجب بیکار شدن روستاییان و کاهش درآمد آن‌ها شده است.

رضوانی و رمضانزاده (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل آثار اقتصادی- اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی» به این مسئله پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش، کارگران شاغل در ناحیه صنعتی سلیمان‌آباد است و نتایج بیانگر آن است که این ناحیه صنعتی، به دلیل مکان‌یابی مناسب در استان مازندران، انطباق واحدهای صنعتی با شرایط منطقه‌ای، تناسب تولید و اشتغال ایجادشده، از جمله نواحی صنعتی موفق در کشور است که آثار توسعه‌ای مناسب در سطح شهرستان داشته و به طور خاص در ایجاد رضایت شغلی، تمایل به ماندگاری در روستا و... نقش مؤثری داشته است. طاهرخانی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای به بررسی نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی استان مرکزی پرداخته است.

جامعه آماری، استان مرکزی است و در نمونه آماری، به بررسی ۴۰ واحد صنعتی فعال در سطح نواحی روستایی استان مرکزی پرداخته است. از پیامدهای ایجاد این شهرک‌ها و نواحی صنعتی، کمک به ارتقای شاخص‌های توسعه در سطح شاغلان و واحدهای تولیدی مستقر در نواحی صنعتی روستایی، ایجاد زمینه‌های مناسب در جهت اشتغال و افزایش درآمد و در بلندمدت، پایداری توسعه در مناطق روستایی بوده است.

مروری بر پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در اغلب موارد، صنعت، موتور محرک نواحی روستایی بوده است و افزایش درآمد، ارتقای کیفیت زیست و معیشت، رونق کشاورزی و اشتغال‌زایی، سبب کاهش مهاجرت روستا-شهری شده است. هاگ ضمن تحلیل فرایند توسعه روستایی بر این باور است که در امتداد دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی شدن، چه در ابعاد کوچک یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه‌ای است. هاگ (۱۹۷۹: ۱۰۹) تصریح می‌کند که صنعتی شدن، ضمن ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد هماهنگی، موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی است.

مبانی نظری

اقتصاد روستایی، در کل نیازمند فراهم آوردن شرایطی برای بهره‌گیری از همه عوامل تولید موجود و بالقوه مناطق روستایی است؛ به‌گونه‌ای که امکان انجام همه انواع فعالیت‌های اقتصادی را برای رسیدن به توسعه در محیط روستا امکان‌پذیر کند؛ بنابراین، واضح است که صنعتی شدن، عاملی است که آثار آن در همه بخش‌های اقتصادی احساس می‌شود و موجب تحرک بخش زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود. واژه صنعتی شدن در اقتصاد، کلید توسعه سریع اقتصاد تلقی شده است که از طریق آن می‌توان آینده‌ای با امکانات تولیدی بهتر، افزایش فرصت‌های اشتغال، نوسازی فعالیت‌های اقتصادی و یافتن جایگاه مناسب در عرصه بین‌المللی را تحقق بخشید (مهندسان مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲: ۱۷). صنعتی کردن روستاها، برای پیشرفت کشور و استقلال اقتصادی جامعه اهمیتی حیاتی دارد؛ زیرا چنانچه استقرار صنعت محدود به شهرها باشد، چنین توسعه‌ای پایدار نخواهد بود (رائو، ۱۹۸۵: ۲۳). صنایع روستایی، در واقع صنایعی هستند که در نقاط یا مراکز روستایی مستقر می‌شوند و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می‌کنند. همچنین این صنایع عموماً پیوندهای بازاری نسبتاً محدودی از نظر جغرافیایی دارند (رحیمی، ۱۳۸۳: ۱۱). هدف از صنعتی‌سازی روستاها، ایجاد صنایع کوچک و کارآمد در نواحی روستایی است که به اشتغال غیر زراعی و درآمدزایی در نواحی روستایی کمک می‌کند. به‌علاوه، هدف از استقرار این صنایع، بهره‌برداری بهینه از منابع محلی و نیز تقویت موقعیت نهادهای درون منطقه‌ای است (مهندسان مشاور دی‌اچ‌وی، ۱۳۷۵: ۶۷).

صنعتی‌سازی روستاها به تحول در اقتصاد روستایی منجر شده است و با جذب قسمتی از جمعیت روستا، تا حدی مشکل بیکاری را مرتفع کرده است (سوندار، ۲۰۰۹: ۲۹). همچنین با برقراری پیوند با کشاورزی، زمینه رشد آن را فراهم می‌کند. به‌همین سبب، صنعتی شدن روستا، جایگاه مهمی در راهبردها و سیاست‌های کشورهای در حال توسعه دارد (داتا، ۲۰۰۴: ۳۳۴)؛ بنابراین، این کشورها راهبرد صنعتی‌سازی روستاها را از اواسط دهه ۱۹۷۰ در برنامه‌های توسعه خود گنجانده (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶). ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی با هر هدفی، در تعدیل مشکل‌ها، تأمین اشتغال و درآمد برای روستاییان و نیز رفاه ساکنان روستاهای اطراف مؤثر است (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲). نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی، به‌مثابه کاتالیزوری در راستای ایجاد اشتغال پایدار و نیز آخرین چاره برای حل مشکل فقر مناطق روستایی است که هم‌اکنون، بخشی بالقوه برای حل مشکل بیکاری و عامل تسکین‌دهنده‌ای برای

مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (سامال، ۱۹۹۷: ۵۷). صنعتی‌شدن، همیشه به‌عنوان عنصر ضروری رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و با توجه به آثار مثبت آن بر جامعه و افزایش سرانه درآمدی افراد، یکی از معیارهای اصلی توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود (جوشی، ۱۹۹۷: ۱۱). صنعتی‌کردن بخشی از اقتصاد روستایی، سرآغاز تحول‌های مهمی در اقتصاد روستا و اقتصاد ملی می‌شود که از جمله بارزترین نتایج آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جذب بخشی از نیروهای فعال کشور، تأمین بخشی از نیازهای جامعه روستایی، افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در روستاها، جلوگیری از روند مهاجرت‌های بی‌رویه، رفع مشکل ازدیاد جمعیتی در شهرهای بزرگ، تشویق مردم به فراهم کردن پس‌اندازهای شخصی، فراهم‌ساختن زمینه‌های جذب و استفاده از سرمایه‌های کوچک، جذب و استقرار وسایل و امکانات رفاهی مورد نیاز جامعه روستایی، توازن بین مناطق شهری و روستایی، افزایش کارایی و بهره‌وری نیروهای فعال جامعه روستایی، گسترش سیاست مطلوب و نبود تمرکز جمعیتی. صنعتی‌کردن روستا سبب ایجاد اشتغال غیر کشاورزی، کمک به جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری، تقویت پایه‌های اقتصادی مراکز روستایی، استفاده کامل از مهارت‌های موجود در ناحیه، فرآوری تولید کشاورزی محلی و تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی می‌شود (سرور امینی، ۱۳۸۹: ۲۲۸). بدون تردید، صنعتی‌شدن، تصمیمی سرنوشت‌ساز در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم و ضرورتی غیر قابل انکار است. با گذشت حدود نیم قرن و انبوهی از تجربه الگوهای نظری و تجربی در این کشورها، صنعتی‌شدن به‌عنوان رویکرد غالب دهه‌های اخیر، جایگاه ویژه‌ای دارد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۳). نفوذ صنعت در مناطق روستایی، ضمن ایجاد اقتصادی فعال، تأثیرهای بسیاری دارد؛ به‌طوری‌که تجربه کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی‌شدن، نه تنها نقش اقتصادی ارزشمندی در مناطق روستایی ایجاد می‌کند، بلکه به اقتصاد خودرانشی منجر می‌شود (میسرا، ۱۹۹۰: ۱۷). صنایع روستایی، بیش از دیگر صنایع به‌ویژه صنایع بزرگ اشتغال‌زا هستند؛ زیرا این گروه از صنایع، سریع‌تر از صنایع بزرگ، ایجاد اشتغال می‌کنند و زمان لازم برای فراهم کردن مقدمات استقرار این صنایع کوتاه‌تر است (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۴۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت که توسعه شهرک‌های صنعتی، نیازی ضروری است و از نتایج شکل‌گیری شهرک‌های صنعتی، افزایش آگاهی از توسعه، افزایش تولیدات، تسهیل‌کننده فرایندهای توسعه و به‌کارگیری نیروی انسانی است (مارچین و بیچارا، ۲۰۰۹: ۶۵۴). همچنین استقرار صنعت و نواحی صنعتی در محیط روستاها، با تقویت بنیان‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی، جذب نیروی مازاد کار و بسیج سرمایه اندک، به بهره‌برداری از منابع و مهارت‌های محلی می‌انجامد و با شکستن دور باطل فقر، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری می‌کند (صحراپیان، ۱۳۸۰: ۴۳؛ مشیری، ۱۳۸۶: ۱۸۲). یکی از سیاست‌های اساسی دولت ایران در توسعه روستایی، تنوع‌بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری و کاهش نابرابری‌های فضایی بین مناطق شهری و روستایی است. این اهداف کلی در قالب برنامه‌ها و طرح‌های تدوین شده و به‌صورت هدایت‌شده در بخش‌های مختلف کشور، به‌ویژه در مناطق روستایی، در حال اجراست. صنعتی‌شدن روستایی، به‌عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه‌جانبه روستایی معرفی شده است که با ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی، گامی در جهت توسعه روستایی به‌شمار می‌رود (یونیدو، ۱۹۹۱: ۱۷). براساس این دیدگاه، سه الگو در راستای کمک به صنعتی‌شدن مناطق روستایی وجود دارد:

اول، احداث کارخانه‌های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصول‌های کشاورزی روستایی در منطقه تأمین می‌کنند. دوم، حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصول‌های صنعتگران محلی و سوم، تشویق به ایجاد واحدهای کوچک که محصول‌های کشاورزی را فرآوری می‌کند یا بعضی از نهاده‌های کشاورزی را تعمیر یا تولید می‌کند (میسرا، ۱۹۸۵: ۳). صنعتی‌شدن روستاها و تبیین جایگاه آن‌ها به‌عنوان اهرمی برای توسعه روستایی، از دیدگاه ایکس و ژانگ، دو اثر عمده دارد:

۱. تأثیر صنعت در ایجاد محدودیت برای مهاجرت روستایی؛
 ۲. سرمایه‌گذاری بیشتر در مناطق روستایی.
- ژانگ (۱۹۹۴: ۲۰) معتقد است با تکیه بر تقویت و حمایت از منابع روستایی، می‌توان انتظار داشت که مهاجرت‌های روستایی به حداقل برسد. این مهم از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر کارآفرینان به وجود می‌آید؛ هرچند نیروی انسانی، تنها سرمایه لازم برای توسعه مناطق روستایی محسوب نمی‌شود. شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی در هر منطقه، تابعی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امکانات منابع طبیعی، مزیت‌های جغرافیایی و مهم‌تر از آن، تابعی از انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌هاست. بدین‌منوال، مهم‌ترین اهداف ایجاد و گسترش این شهرک‌ها را می‌توان چنین برشمرد:
- استقرار منطقی گروه‌های مختلف در فضاهای مناسب برای هر رشته از صنعت؛
 - بهره‌گیری مناسب از زمین، به‌ویژه در مناطق شهری، با هدف دستیابی به الگوی بهینه کاربری زمین؛
 - تحقق صرفه‌جویی در راستای تأمین خدمات و تسهیلات زیربنایی - اجتماعی به‌طور مشاعی؛
 - جلوگیری از گسترش بی‌رویه کارخانه‌های صنعتی در فضاهای مسکونی شهری و محافظت از مناطق مسکونی و سایر مناطق غیر صنعتی در برابر مشکل‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی؛
 - جلوگیری از برهم‌خوردن تعادل‌های زیست‌محیطی، گسترش آلودگی و تخریب منابع طبیعی در مناطق شهری و روستایی.

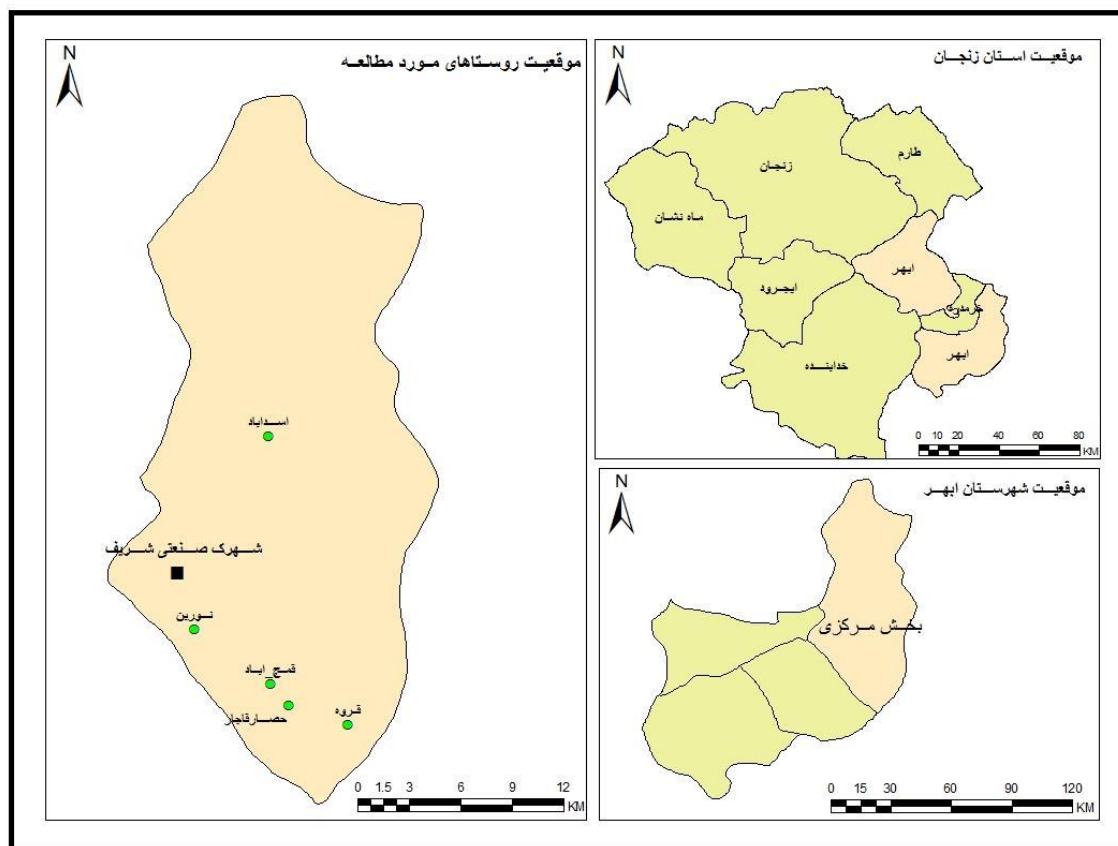
کیفیت زندگی

هرچند ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی، از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است، در دهه‌های اخیر و با اولویت‌یافتن هدف اجتماعی توسعه و تدوین آن در قالب برنامه‌های توسعه، به‌تدریج، نگرش انسانی و جامعه‌شناختی درباره کیفیت زندگی، به نوشتارهای توسعه و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. افزون‌براین، جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان، به محیط‌ها و مکان‌های مطلوب، مانند روستاهای سالم، خانه‌های سالم و زیست‌بوم‌های روستایی توجه می‌کنند، اما وجه مشترک این دیدگاه‌ها این است که کیفیت زندگی به‌عنوان اصطلاحی کلی، مفهومی برای نشان‌دادن چگونگی برآورده‌شدن نیازهای انسانی و نیز معیاری برای ادراک رضایت یا نارضایتی افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی در سکونتگاه‌هاست (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۲).

مفهوم کیفیت زندگی، عمدتاً به‌عنوان رضایت از زندگی، خوشبختی و سعادت، رفاه و آسایش شناخته می‌شود و سطح تحقق نیازهای انسان را منعکس می‌کند (زیلینسکا و دیگران، ۲۰۱۰: ۱). در واقع، مفهوم کیفیت زندگی، متغیری مرکب است که از چندین متغیر تأثیر می‌پذیرد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی و روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن، به شکل مرکب، کیفیت زندگی و تغییرهای آن را تعیین می‌کند (رحمان و دیگران، ۲۰۰۳: ۱). در بررسی‌های مربوط به کیفیت زندگی، این سؤال مطرح است که چه کسی چه چیز را در کجا به‌دست می‌آورد. اگرچه مشاهده اینکه افراد در مکان‌های مختلف، به اشکال متفاوتی زندگی می‌کنند، لزوماً اشاره‌های ضمنی اخلاقی به‌همراه ندارد، قضاوت در مورد کیفیت زندگی، ناگزیر پرسش‌هایی را در مورد مفاهیم خوب یا بد، بهتر یا بدتر مطرح می‌کند و با گذار از کنجکاوی جغرافیایی سنتی در مورد تفاوت‌های ناحیه‌ای و رفتن به سمت مباحث مربوط به نابرابری فضایی، وارد وادی اخلاق می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

محدوده مورد مطالعه

شهرستان ابهر، یکی از هفت شهرستان استان زنجان است که در ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه درازای باختری و ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه پهنا شمالی خط استوا قرار گرفته و مساحت آن بیش از ۳،۳۶۲ کیلومتر مربع است. این شهرستان در ارتفاع ۱،۵۴۰ متری از سطح دریا واقع شده است و دو شهرک صنعتی به نام‌های صنعتی شریف و شهرک صنعتی افق دارد. در این میان، شهرک صنعتی شریف، به دلیل وسعت و اهمیت بیشتر و ایجاد مشاغل گوناگون برای این مطالعه انتخاب شده است.



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه

منبع: نگارندگان

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای-پیمایشی است و در آن، از ابزار پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، تأثیرهای شهرک صنعتی، بر کیفیت زندگی روستاییان، روستاهای بخش مرکزی (حومه) شهرستان ابهر بررسی شده است. در این راستا، از دهستان‌های بخش مرکزی، دهستان حومه که ۱۷ روستا داشت، انتخاب شد. این روستاها براساس جمعیت در سه گروه پرجمعیت، جمعیت متوسط و کم جمعیت قرار گرفتند. سپس از این گروه‌ها به صورت تصادفی، روستاهای نورین، قمچ‌آباد، قروه، حصار قاجار و اسدآباد انتخاب شدند و در هریک از روستاهای نمونه، براساس فرمول کوکران، تعداد نمونه برای تکمیل پرسشنامه مشخص شد. در مجموع، ۳۰۴ پرسشنامه توزیع شد که کمترین تعداد آن (۶ مورد) به روستای اسدآباد اختصاص داشت و در جدول ۱ نشان داده شده است. همچنین در ادامه، برای بررسی

کیفیت زندگی، ۸ شاخص (اشتغال و درآمد، مهاجرت، ساخت‌وساز و مسکن، کشاورزی، محیط زیست، بهداشت، آموزش و مشارکت و همبستگی) در پرسشنامه طراحی شد. ابتدا پایایی آن‌ها با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲۶ تعیین شد که گواه پایایی و استاندارد بودن سؤال‌های پرسشنامه است. همچنین برای بررسی و سنجش روایی پرسشنامه، از دیدگاه‌های استادان و کارشناسان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بهره گرفته شده است. در نهایت، پرسش‌ها به صورت ترتیبی (لیکرت) طراحی شدند و در ادامه، برای تحلیل داده‌ها از آزمون one sample t-test در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

جدول ۱. روستاهای مورد مطالعه

روستا	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
قروه	۷۸۱	۲۶۴۰	۱۴۵
نورین	۶۵۸	۲،۱۳۳	۱۱۷
قمچ‌آباد	۱۳۸	۴۷۵	۲۶
حصار قاجار	۶۱	۱۹۵	۱۰
اسدآباد	۲۱	۶۹	۶

منبع: نگارندگان

بحث و یافته‌ها

در مورد کیفیت زندگی، تأثیر هریک از شاخص‌ها را ابتدا برای مجموع روستاها بررسی کردیم و سپس در حالت مقایسه‌ای، به مقایسه میانگین هریک از شاخص‌ها را در روستاها با یکدیگر پرداختیم. ابتدا شاخص بهداشت با استفاده از آزمون t-test برای سنجش تأثیر شهرک صنعتی بر این شاخص در مجموع روستاها در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری، ۰/۰۰۴ است که درحقیقت نشان می‌دهد وجود شهرک بر کیفیت مجموع روستاها از نظر شاخص بهداشتی تأثیر مطلوبی داشته است. دلیل این امر، افزایش کیفیت ارائه خدمات درمانی، دسترسی آسان به مراکز درمانی و همچنین افزایش تعداد پزشکان در منطقه است. دیگر شاخص مورد بررسی، کیفیت آموزش است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که تأثیر وجود شهرک بر کیفیت شاخص آموزشی در مجموع روستاها برابر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که درواقع، گویای تأثیر مثبت شهرک بر ارتقای کیفیت آموزشی روستاییان است (جدول ۲).

جدول ۲. تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص بهداشت و آموزش بخش مرکزی دهستان حومه

شاخص	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	۹۵ درصد	
					حد پایین	حد بالا
بهداشت	۲/۸۶۳	۳۰۵	۰/۰۰۴	۰/۲۰۲۶۱	۰/۰۶۳۴	۰/۳۴۱۹
آموزش	۲۷/۹۸۰	۳۰۵	۰/۰۰۰	۳/۰۶۲۰۹	۲/۸۴۶۷	۳/۲۷۷۴

منبع: نگارندگان

در ادامه، کیفیت بهداشت در هریک از روستاها، با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، به صورت جداگانه بررسی شد. نتایج نشان داد که پایین‌ترین سطح میانگین کیفیت شاخص بهداشت، مربوط به روستای حصار قاجار با میزان ۱/۸۰۰۰ است؛ زیرا در این روستا، به دلیل جمعیت اندک، ارائه خدمات بهداشتی به صورت مطلوب انجام نشده است و شهرک صنعتی نتوانسته است تأثیر زیادی بر بهبود وضعیت بهداشتی این روستا داشته باشد. در مقابل، روستای قمچ‌آباد با میانگین ۴/۰۷۶۹ قرار دارد که وجود شهرک، بیشترین تأثیر را بر بهبود وضعیت بهداشتی این روستا داشته است. علت این امر را می‌توان دسترسی مطلوب روستاییان، هم به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان و هم ارتقای کیفیت در مرکز خانه بهداشت این روستا دانست.

همچنین برای مقایسه تأثیر شهرک بر هریک از روستاهای نمونه از نظر کیفیت شاخص آموزشی، نتایج حاصل از تحلیل آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) نشان داد که روستای نورین با میانگین ۷/۰۵۰۸، در بالاترین میزان تأثیرپذیری مطلوب در زمینه بهبود وضعیت آموزش قرار دارد. در مقابل، روستای اسدآباد با میانگین ۳/۲۸۵۷ در پایین‌ترین سطح از نظر تأثیر شهرک بر بهبود وضعیت آموزش قرار می‌گیرد که یکی از دلایل آن را می‌توان مهاجرت زیاد روستاییان از این منطقه و نیز پایین بودن جمعیت محصلان در این روستا دانست (جدول ۳).

دومین شاخص مورد بررسی، تأثیر شهرک صنعتی بر میزان مشارکت روستاییان است. درحقیقت، نتایج حاصل از آزمون t-test نشان می‌دهد که در روستاهای مورد مطالعه، وجود شهرک بر میزان مشارکت، تأثیر مثبت داشته است. این تأثیر، برابر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که تأثیر شهرک بر شاخص مشارکت را تأیید می‌کند (جدول ۴).

تأثیر شهرک بر میزان کیفیت شاخص مشارکت در روستاهای مورد مطالعه، با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) مقایسه شد و نتایج نشان داد که روستای نورین با میانگین ۳/۷۱۱۹ از نظر تأثیر شهرک بر شاخص مشارکت، رتبه نخست را دارد. دلیل این امر، تأثیر شهرک بر میزان درآمد و پس‌انداز مردم است که درحقیقت، مردم این روستا را برای سهیم شدن در انواع مشارکت آماده کرده است و در عمل، میزان مشارکت آن‌ها را ارتقا داده است. در نقطه مقابل، روستای اسدآباد قرار گرفته است که کمترین میزان مشارکت با میانگین ۲/۱۴۲۹ در آن وجود داشته است که علت آن را می‌توان در این امر دانست که جذب نیروی کار از این روستا در شهرک، در مجموع، بسیار اندک بوده است. بدین ترتیب، وجود شهرک نتوانسته است در افزایش میزان درآمد و اشتغال این روستا مؤثر واقع شود و درحقیقت، نبود زمینه و فرصت مالی و فکری مطلوب به روستاییان این منطقه، سبب کاهش مشارکت روستاییان بوده است (جدول ۵).

جدول ۳. مقایسه روستاهای مورد مطالعه از نظر تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص‌های بهداشت و آموزش

شاخص بهداشت	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۲/۰۰۰	۳/۵۵۹۳	۲/۶۸۲۸	۱/۸۰۰۰	۴/۰۷۶۹
انحراف معیار	/۸۱۶۵۰	/۹۹۱۷۸	۱/۱۹۴۳۴	/۷۸۸۸۱	/۸۴۴۸۹
شاخص آموزش	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۳/۲۸۵۷	۷/۰۵۰۸	۵/۴۳۴۵	۳/۹۰۰۰	۶/۶۵۳۸
انحراف معیار	/۷۵۵۹۳۰	۱/۷۴۳۶۰	۱/۶۷۴۲۱	۱/۱۰۰۵۰	۱/۵۷۳۳۴

منبع: نگارندگان

جدول ۴. تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص مشارکت بخش مرکزی دهستان حومه

شاخص	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین		پایایی آزمون = ۳
				حد پایین	حد بالا	
مشارکت	۸/۸۴۱	۳۰۵	/۰۰۰۰	/۴۰۴۰۰	۹۵ درصد	/۶۳۵۳۰

منبع: نگارندگان

جدول ۵. مقایسه روستاهای مورد مطالعه از نظر تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص مشارکت

شاخص مشارکت	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۲/۱۴۲۹	۳/۷۱۱۹	۳/۴۴۸۳	۳/۶۰۰۰	۳/۳۸۴۶
انحراف معیار	/۸۹۹۷۴۰	/۹۶۱۶۷۰	۱/۰۵۳۶۴	/۹۶۶۰۹۰	/۹۴۱۳۶۰

منبع: نگارندگان

چهارمین شاخص مورد بررسی، اشتغال و درآمد است. نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که تأثیر شهرک بر کیفیت اشتغال و درآمد مجموع روستاهای مورد مطالعه، با سطح معناداری ۰/۰۰۰، در واقع، گویای تأثیر مثبت شهرک بر روستاها در زمینه مواردی از قبیل افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، تنوع شغلی، افزایش پس‌انداز و افزایش امید به آینده شغلی است (جدول ۶). دیگر شاخص مورد بررسی، مهاجرت است. تأثیر شهرک بر مجموع روستاها در زمینه مهاجرت با گویه‌هایی از قبیل موارد زیر مطرح شد: «شهرک صنعتی سبب افزایش انگیزه ماندگاری در روستا شده است»، «شهرک صنعتی موجب کاهش مهاجرت روستا- شهری شده است»، «شهرک صنعتی سبب افزایش مهاجرت غیر بومیان به روستا شده است» و «شهرک صنعتی سبب افزایش برگشت مهاجران به روستا شده است». تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در واقع، وجود شهرک تأثیری مثبت در مورد زمینه‌های ذکر شده در روستاهای مورد مطالعه داشته است که با سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان داده شده است (جدول ۶).

همچنین نتایج تحلیل آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) در مقایسه میزان تأثیر شهرک بر کیفیت اشتغال و درآمد هریک از روستاهای نمونه نشان داد که روستای نورین با میانگین ۲۳/۷۴۵۸، بیشترین تأثیر را در زمینه اشتغال و درآمد از شهرک صنعتی پذیرفته است. علت این امر را می‌توان فاصله بسیار اندک این روستا با شهرک دانست. درحقیقت، بیشترین میزان جمعیت این روستا، در شهرک مشغول به کار بوده‌اند. در مقابل، روستای اسدآباد با میانگین ۱۴/۰۰۰۰ قرار دارد که در واقع، تعداد بسیار اندکی از مردم روستا در شهرک مشغول کار بوده‌اند و به دلیل فاصله نسبتاً زیاد در مقایسه با دیگر روستاها به شهرک، این روستا در زمینه اشتغال و درآمد، بهره کمتری را از شهرک دریافت کرده است (جدول ۷). همچنین در بررسی تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص مهاجرت، گویه‌هایی چون «شهرک سبب افزایش انگیزه ماندگاری در روستا، کاهش مهاجرت روستا- شهری، افزایش مهاجرت غیر بومیان به روستا، افزایش برگشت مهاجرت‌کنندگان به روستا شده است» مطرح شد و نتایج نشان داد که روستای نورین با میانگین ۱۱/۳۷۳۹ بیشترین تأثیر مثبت را در زمینه مهاجرت از شهرک پذیرفته است. در مقابل، روستای اسدآباد با میانگین ۷/۴۲۸۶، در پایین‌ترین میزان برخورداری از شهرک در زمینه شاخص مهاجرتی قرار داشته است. درحقیقت، در روستای اسدآباد میزان مهاجرت به نواحی دیگر افزایش یافته است و انگیزه زیادی برای ماندگاری در روستا وجود نداشته است که علت آن را می‌توان برخورداری اندک از مزایای شهرک دانست (جدول ۷).

جدول ۶. تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص‌های اشتغال و درآمد و مهاجرت، بخش مرکزی دهستان حومه

شاخص	T	درجه آزادی	سطح معناداری	پایایی آزمون = ۳	
				تفاوت میانگین	حد پایین / حد بالا
اشتغال و درآمد	۶۱/۴۵۹	۳۰۵	۰/۰۰۰	۱۸/۷۵۸۱۷	۱۹/۳۵۸۸
مهاجرت	۳۹/۳۳۴	۳۰۵	۰/۰۰۰	۷/۴۲۱۵۷	۷/۷۹۲۹

منبع: نگارندگان

جدول ۷. مقایسه روستاهای مورد مطالعه از نظر تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص‌های اشتغال و درآمد و مهاجرت

شاخص اشتغال و درآمد	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۱۴/۰۰۰۰	۲۳/۷۴۵۸	۲۰/۶۹۶۶	۱۹/۱۰۰۰	۲۱/۷۶۹۲
انحراف معیار	۱/۴۱۴۲۱	۶/۷۰۵۲۶	۳/۴۹۴۶۹	۳/۳۸۱۳۲	۴/۱۸۸۶۳
شاخص مهاجرت	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۷/۴۲۸۶	۱۱/۳۷۳۹	۹/۶۹۶۶	۱۰/۲۰۰۰	۱۱/۰۳۸۵
انحراف معیار	۱/۸۱۲۶۵	۳/۸۹۵۶۴	۲/۷۱۳۹۷	۱/۰۳۲۸۰	۲/۸۳۵۲۲

منبع: نگارندگان

شاخص دیگر در مورد تأثیر شهرک بر کیفیت زندگی، شاخص مسکن است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که شهرک تأثیر سودمندی بر مسکن در مجموع روستاها گذاشته است؛ مانند: افزایش ارزش زمین، افزایش کیفیت مصالح ساختمانی، افزایش ساخت‌وساز در روستا و... که سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است و نشان‌دهنده تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص مسکن مجموع روستاهاست (جدول ۸).

بررسی تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص کیفیت مسکن در هریک از روستاها نشان داد که روستای نورین با میانگین ۱۴/۵۴۲۴، بیشترین تأثیر را از شهرک در این زمینه پذیرفته و روستای اسدآباد با میانگین ۹/۵۷۱۴، کمترین تأثیر را از شهرک در زمینه بهبود وضعیت مسکن پذیرفته است. دلیل این امر را می‌توان فاصله بیشتر این روستا از شهرک بیان کرد که در پذیرش کمتر نوآوری در زمینه مسکن، کمبود اشتغال و مهاجرت روستاییان به سایر نواحی - که در حقیقت انگیزه بهبود وضعیت مسکن را به حداقل رسانده است - بروز یافته است (جدول ۹).

جدول ۸. تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص بهداشت بخش مرکزی دهستان حومه

شاخص	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین		پایایی آزمون = ۳
				حد پایین	حد بالا	
مسکن	۳۸/۲۳۴	۳۰۵	۰/۰۰۰	۹/۶۹۹۳۵	۹/۲۰۰۲	۹۵ درصد

منبع: نگارندگان

جدول ۹. مقایسه روستاهای مورد مطالعه از نظر تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص مسکن

شاخص مسکن	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۹/۵۷۱۴	۱۴/۵۴۲۴	۱۱/۱۲۴۱	۱۳/۴۰۰۰	۱۳/۶۹۲۳
انحراف معیار	۲/۸۷۸۴۹	۴/۹۶۷۶۶	۳/۷۰۶۰۱	۳/۸۹۳۰۱	۱/۹۵۴۸۸

منبع: نگارندگان

دیگر شاخص مورد بررسی، تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص کشاورزی است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که شهرک در مجموع روستاها بر مواردی چون کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی، کاهش تعداد دام، کاهش اراضی کشاورزی و... تأثیر مثبت داشته است. این تأثیر با معناداری در سطح ۰/۰۰۰ نشان داده شده است (جدول ۱۰). همچنین تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص زیست‌محیطی در مجموع روستاها ارزیابی شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که شهرک با سطح معناداری ۰/۰۰۰ بر مجموع روستاها در زمینه کیفیت زیست‌محیطی (مانند تأثیر شهرک بر افزایش آلودگی صوتی در روستا، افزایش آلودگی هوا، افزایش آلودگی منابع آب و نابودی مراتع) اثرگذار بوده است؛ البته شایان ذکر است که بین عامل فاصله و شاخص‌های زیست‌محیطی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که هراندازه فاصله روستا از شهرک بیشتر باشد، تأثیرهای زیست‌محیطی در آن کمتر است و برعکس (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. تأثیر شهرک بر کیفیت شاخص‌های کشاورزی و زیست‌محیطی، بخش مرکزی دهستان حومه

شاخص	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین		پایایی آزمون = ۳
				حد پایین	حد بالا	
کشاورزی	۵۷/۲۰۶	۳۰۵	۰/۰۰۰	۱۵/۰۹۴۷۷	۱۴/۵۷۵۵	۹۵ درصد
زیست‌محیطی	۳۵/۷۰۱	۳۰۵	۰/۰۰۰	۶/۹۸۰۳۹	۶/۵۹۵۷	۹۵ درصد

منبع: نگارندگان

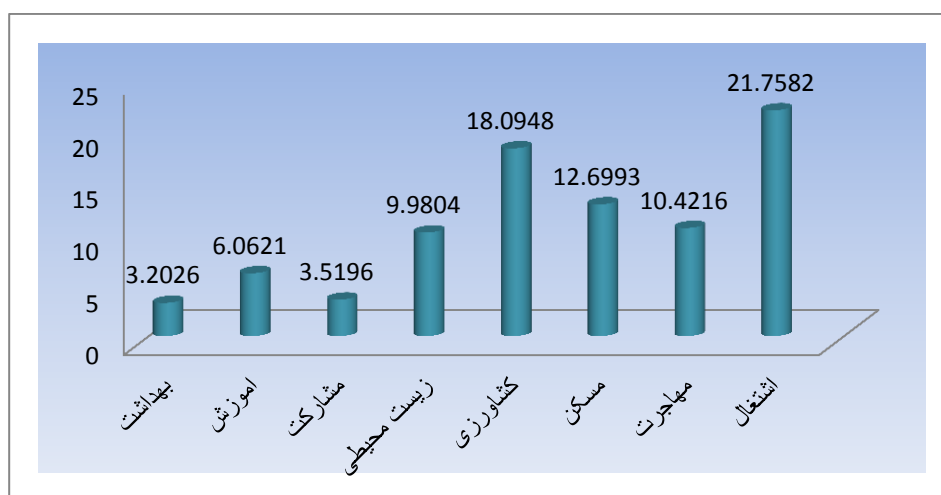
در مورد تأثیر شهرک صنعتی بر کیفیت شاخص کشاورزی، هریک از روستاها به‌طور جداگانه ارزیابی شد. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) نشان می‌دهد که روستای نورین با میانگین $20/1780$ بیشترین تحول را در زمینه تغییر مشاغل از کشاورزی به سایر فعالیت‌ها داشته است. در مقابل، روستای اسدآباد با میانگین $11/8571$ کمترین تأثیر را در این زمینه از شهرک پذیرفته است. این امر در واقع، گویای این واقعیت است که روستای اسدآباد بیشتر به کشاورزی سنتی گرایش داشته و نتوانسته است به مشاغل صنعتی و خدماتی گرایش پیدا کند. دلیل این امر را می‌توان پایین بودن سواد، دسترسی و ارتباطات نامطلوب عنوان کرد (جدول ۱۱). همچنین برای بررسی میزان تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص زیست‌محیطی روستاها، هریک از روستاهای نمونه با هم مقایسه شدند. نتایج این مقایسه نشان داد که روستای نورین با میانگین $13/0763$ ، بیشترین تأثیر را از شهرک صنعتی در مورد افزایش ترافیک، افزایش آلودگی صوتی، افزایش آلودگی هوا، افزایش آلودگی منابع آب و کاهش مراتع پذیرفته است. در مقابل، روستای اسدآباد با میانگین $7/0000$ کمترین تأثیر را در زمینه زیست‌محیطی و آلودگی پذیرفته است (جدول ۱۱).

درنهایت، تأثیر شهرک صنعتی شریف بر مجموع روستاهای اطراف با توجه به میزان تأثیر آن بر هریک از شاخص‌های کیفیت زندگی ارزیابی شد که در شکل ۲ نشان داده شده است:

جدول ۱۱. مقایسه روستاهای مورد مطالعه از نظر تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص‌های کشاورزی و زیست‌محیطی

شاخص کشاورزی	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۱۱/۸۵۷۱	۲۰/۱۷۸۰	۱۷/۱۸۶۲	۱۷/۱۰۰۰	۱۵/۷۳۰۸
انحراف معیار	۳/۱۸۴۷۹	۵/۵۱۷۰۸	۳/۲۵۳۱۷	۲/۲۳۳۵۸	۳/۱۴۳۹۸
شاخص زیست‌محیطی	اسدآباد	نورین	قروه	حصار قاجار	قمج‌آباد
میانگین	۷/۰۰۰۰	۱۳/۰۷۶۳	۷/۸۶۹۰	۷/۶۰۰۰	۹/۴۲۳۱
انحراف معیار	۱/۶۳۲۹۹	۲/۹۶۴۶۳	۱/۸۲۶۷۱	۱/۷۱۲۷۰	۲/۱۱۹۸۷

منبع: نگارندگان



شکل ۲. مقایسه تأثیر شهرک بر شاخص‌های کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه

نتیجه‌گیری

ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی، یکی از رویکردهای رایج صنعتی‌سازی به‌منظور تسهیل و تمرکز فعالیت‌ها و اقدام‌هاست. توسعه این قبیل مناطق صنعتی، محرک مناسبی برای شکل‌گرفتن واحدهای صنعتی و بستر مناسبی برای

افزایش تولید و بهره‌وری صنایع فعال و در نتیجه، موجب افزایش پایداری صنعتی‌سازی در روستاست. از این‌رو، در پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی تأثیر شهرک‌های صنعتی بر کیفیت زندگی در نواحی روستایی پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد که در این منطقه، شهرک‌های صنعتی تا حد بسیار زیادی بر بهبود شاخص‌های کیفیت زندگی تأثیر داشته‌اند.

برای مقایسه کلی نتایج پژوهش‌های پیشین و پژوهش حاضر، به نتایج کلی تحقیق‌های گذشته اشاره می‌شود. نتایج پژوهش قدیری و قراگوزلو (۱۳۹۱)، بیانگر تأثیر احداث شهرک صنعتی بر ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان است که البته اشتغال در شهرک صنعتی خورآباد استان قم، انگیزه روستاییان را برای ماندن در روستا افزایش نداده است. نتایج پژوهش مطیعی و نجفی کانی (۱۳۹۰) در شهرستان بابل بیانگر آن است که شهرک‌ها بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا تأثیر مثبت دارند و سبب کاهش فقر روستایی و افزایش فرصت‌های شغلی شده‌اند. در پژوهش ریاحی و پاشازاده (۱۳۹۱)، شهرک صنعتی گرمی از نظر اشتغال، تأثیر بسیاری بر روستا گذاشته است؛ به طوری که بیش از ۶۰ درصد شاغلان شهرک را روستاییان تشکیل می‌دهند و وجود شهرک، پاره‌ای از شاخص‌های سطح زندگی و رفاه آنان را محقق ساخته است. مقایسه اجمالی نتایج پژوهش‌های مذکور و این مطالعه نشان می‌دهد که به طور کلی، ایجاد شهرک‌های صنعتی در بهبود وضعیت کیفیت زندگی نواحی روستایی تأثیر مثبت داشته است؛ به طوری که در ایجاد اشتغال، بهبود معیشت و بهبود کیفیت آموزش، شرایط سودمندی را ایجاد کرده است.

از میان شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه، شهرک صنعتی شریف بیشترین تأثیر را در زمینه اشتغال در مجموع روستاها با میانگین $21/7582$ ایجاد کرده است. علت این امر را می‌توان جذب نیروی کار از نواحی روستایی اطراف دانست که در حقیقت، زمینه‌ای برای بهبود کیفیت زندگی در این روستاها شده است. دیگر شاخص مورد بررسی، کشاورزی بود که در حقیقت، شهرک با میانگین $18/0948$ ، بر فعالیت بخش کشاورزی تأثیر گذاشته است؛ بدین معنا که سبب جذب افراد بیشتری در مشاغل غیر کشاورزی و روی آوردن روستاییان به مشاغل خدماتی و صنعتی شده و از اشتغال سنتی در بخش کشاورزی تا حدود زیادی کاسته است. دیگر شاخصی که شهرک صنعتی، تأثیر زیادی بر بهبود کیفیت آن داشته، شاخص مسکن است که با میانگین $12/6993$ متأثر از صنعت است و روستاها را در مواردی چون افزایش ارزش زمین، افزایش کیفیت مصالح ساختمانی و افزایش ساخت‌وساز در روستا در شرایط مطلوبی قرار داده است. وجود شهرک صنعتی شریف موجب شده است که همزمان با افزایش درآمد و بهبود وضعیت اشتغال روستاییان، زمینه بهبود وضعیت مسکن فراهم شود و تغییری در بافت سنتی مسکن در روستاها به وجود آید. دیگر شاخصی که شهرک در آن تأثیر مثبتی را در تمام روستاها ایجاد کرده، مهاجرت است که در مجموعه روستاها با میانگین $10/4216$ در کاهش مهاجرت از روستا و مهاجرت غیر بومیان به روستاها تأثیر مطلوبی داشته است. دیگر شاخص مورد بررسی، شاخص زیست‌محیطی است که با توجه به نزدیک بودن شهرک به این روستاها، تأثیرهای زیست‌محیطی با میانگین $9/9804$ در روستاها ایجاد شده است. البته این میزان تأثیرگذاری در این روستاها، با عامل فاصله رابطه دارد؛ بدین ترتیب که هر قدر فاصله بیشتر شده است، آثار سوء زیست‌محیطی شهرک کاهش یافته است. تأثیر شهرک صنعتی بر شاخص آموزش با میانگین $6/0621$ بیان شد که نشان می‌دهد شهرک در ارتقای وضعیت آموزشی در مجموع روستاها مؤثر واقع شده است. دیگر شاخص مورد بررسی، مشارکت است. در حقیقت، شهرک با میانگین $3/5196$ در این روستاها، انگیزه مشارکت را افزایش داده است. آخرین شاخص که کمترین تأثیر را از وجود شهرک پذیرفته، بهداشت با میانگین $3/2026$ است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این روستاها با توجه به بهبود سایر شاخص‌ها، بهبود و ارتقای کیفی در زمینه بهداشت، مانند افزایش تعداد پزشکان و ایجاد مراکز بهداشتی شبانه‌روزی از خواسته‌های روستاییان است که شهرک چندان در بهبود این شرایط مؤثر واقع نشده است.

منابع

۱. اسمیت، دیوید، ۱۳۸۱، کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و حکمت شاهی اردبیلی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفدهم، شماره‌های ۱۸۵-۱۸۶.
۲. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، فتاحی، احد، حاجی‌پور، مجتبی، ۱۳۹۰، ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان استان لرستان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۶، صص ۶۹-۹۴.
۳. پوراحمد، احمد، طاهرخانی، مهدی و رحمان باباخانی، ۱۳۸۱، نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی، مطالعه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳-۴۶، ص ۵۶.
۴. دربان آستانه، علیرضا، ۱۳۸۳، مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۵. رحیمی، عباس، ۱۳۸۳، تبیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
۶. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر توسعه روستایی در ایران، قومس، تهران.
۷. رضوانی، محمدرضا، رمضانزاده، مهدی و مرتضی محمدپور جابری، ۱۳۸۹، تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، مورد: ناحیه صنعتی سلیمان‌آباد تنکابن، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱۸، صص ۵-۲۶.
۸. ریاحی، وحید و اصغر پاشازاده، ۱۳۹۱، بررسی اثرات شهرک‌های صنعتی بر کیفیت زندگی ساکنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمی)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۲، صص ۲۹-۴۶.
۹. سرور امینی، ش.، اسدی، ع. و خ. کلاتری، ۱۳۸۹، بررسی اثرات شهرک صنعتی اشتهارد بر توسعه روستاهای همجوار، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۲۲۷-۲۳۸.
۱۰. سعیدی، عباس، ۱۳۸۴، مبانی جغرافیای روستایی، سمت، تهران.
۱۱. سلیمانی، محمد، ۱۳۸۱، دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای صنعتی جدید (بررسی موردی الوند: البرز، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی)، شماره ۶۵.۱۲۶-۶۵.۱۲۷، صص ۱۵۰.
۱۲. صحرايیان، سیدمهدی، ۱۳۸۰، اقتصاد ایران، ساماندهی صنایع کوچک، طرحی در بازسازی اقتصاد ایران، معارف، تهران.
۱۳. طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۰، نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی)، فصلنامه پژوهش‌های ۲۳ جغرافیایی، شماره ۴۰. ۴۵.
۱۴. غفاری، غلامرضا، میرزایی، حسین و علیرضا کریمی، ۱۳۹۰، بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی (مقایسه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)، فصلنامه توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱.
۱۵. قدیری معصوم، مجتبی و محمد اکبرپور سراسکانرود، ۱۳۹۰، تحلیل نقش دولت از ساخت مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه (مطالعه موردی: برنامه چهارم توسعه کشور)، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۷۴-۱۰۱.
۱۶. قدیری معصوم، مجتبی و هادی قراگوزلو، ۱۳۹۱، نقش نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: ناحیه صنعتی خورآباد، استان قم)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۲، صص ۱-۱۴.
۱۷. قره‌نژاد، حسن، ۱۳۷۲، مقدمه‌ای بر جغرافیای صنعتی، جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۱۸. مشیری، سیدرحیم و نسرین آذرباد، ۱۳۸۶، پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستای کمرد در دهستان سیه‌رود شهرستان تهران)، فصلنامه علمی-پژوهشی روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۳.
۱۹. مطیعی لنگرودی، سیدحسن و علی‌اکبر نجفی کانی، ۱۳۹۰، بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸.

۲۰. مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۵، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، جلد دوم، ترجمه بهنام شاپوری و دیگران، جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۲۳.
۲۱. مهندسان مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲، مطالعه، بررسی، ارزیابی و نقد عملکرد ۱۷۰ ناحیه صنعتی روستایی کشور، جلد اول: مباحث نظری نواحی روستایی در جهان و ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، دفتر امور صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.
22. Abraham, J., 1994, **Rural Industries and Rural Industrialization in Developing Economy: Indian Experience**, Journal of Rural Reconstruction, Vol. 27, pp. 45-52.
23. Bechara, L. and Alessanra, M., 2009, **Eco-industrial Park Development in Rio de Janeiro- Brazil: A Tool for Sustainable Development**, Journal of Cleaner Production, Vol. 17, No. 7, pp. 653-661.
24. Consulting Engineers Worker Canvas, 2003, **Study, Evaluation and Criticism of the Country's 170 Rural Industrial Areas, Vol. 1: Theories of Rural Areas in the World and Iran**, Ministry of Agriculture, Deputy Complementary Industries and the Agricultural Sector, Office of Complementary Industries of the Agricultural sector. (*In Persian*)
25. Darban Astaneh, A., 2004, **Concepts and Principles of Organization of Industry in Rural Areas**, Country's Municipalities, Tehran. (*In Persian*)
26. Das, R. and Das Ashim, K., 2011, **Industrial Cluster: An Approach for Rural Development in North-East India**, International Journal of Trade, Economics and Finance, Vol. 2, No. 2, pp. 161-165.
27. Dutta, S., 2004, **Rural Industrial Entrepreneurship, The Case of Bardhaman District in West Bengal**, Wageningen University.
28. Eftekhari, A. Rokneddin, Fattahi, Ahad, Hajipoor, M., 2011, **Evaluate the Spatial Distribution of the Quality of Life in Rural Areas (Case Study: Delfan the Central City of Lorestan Province)**, Rural Researches Journal, No. 6, pp. 69-94. (*In Persian*)
29. Fløysand, A. and Sjøholt, P., 2007, **Rural Development and Embeddedness: The Importance of Human Relations for Industrial Restructuring in Rural Areas**, Oxford, Vol. 47, Iss. 3.
30. Ghaffari, Gh., Mirzaee, H. and Karimi, A., 2011, **The Relationship Between the Industry and the Quality of Life (Compared to Rural Areas of Qorveh City)**, Rural Development Journal, Vol. 3, No. 1. (*In Persian*)
31. Gharahnejad, H., 1993, **An Introduction to Industrial Geography**, Isfahan University Publication SID, Isfahan. (*In Persian*)
32. Hag, M. T., 1979, **Industrialization in Relation to Integrated Rural Development With Reference to Bangladesh: Industry and Development**, No. 4.
33. Hannan, K., 1995, **China, Modernization and the Goal of Prosperity: Government Administration and Economic Policy in Late 1980**, Cambridge University Press, Cambridge.
34. Joshi, M. L., 1997, **Industrial Recruitment Policy and Rural Development: A Case Study of Pulp and Paper Industry in Albama**, A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of Auburn University.
35. Lee, D., 2001, **Diversification of the Rural Economy: A Case Study of Rural Industrialization in the Republic Korea**, Japan Program/INDES 2001, Conference- Japan.
36. Maran, K., 2007, **Problemes of Rural Labor: Issue and Challenges**, Cuddalore, Pallavan Book publishing Company Ltd.
37. Misra, R. P. and Achyuta, R. N., 1990, **Micro-level Rural Planning: Principle Methods and Case Study**, Concept Publishing Company, New Delhi, p. 15.
38. Misra, R. P., 1985, **Rural Industrialization in Third World Countries**, Sterling Publishers, New Delhi.
39. Moshiri, S. R. and Azarbad, N., 2007, **The Consequences of the Establishment of Industrial Zones in Rural Areas, Case study: Village of Kamard-Siah Rood, City of Tehran**, Journal of Rural Development, Vol. 10, No. 3. (*In Persian*)

40. Motiee Langroodi, S. H. and Najafi Kani, A. A., 2011, **Evaluating the Effects of Industrial Towns and Areas on Economic and Social Development in Rural Areas, Case Study: Babol City**, Journal of Geographical Researches, No. 58. (*In Persian*)
41. Nayak, U. S., 1994, **Rural Industrialization**, M. D Publication p.v.t, New Delhi.
42. Netherlands DHV Consulting Engineers, 1996, **Guidelines for Planning Rural Centers**, Vol. 2, Translated by: Shapouri, et al, Rural Development Series, No. 23. (*In Persian*)
43. Pourahmad, A., Taherkhani, M. and Rahman Babakhani, 2002, **The Role of the Industrial Areas to Employment and Reducing Rural Migration, Case Study: Industrial Area Lasjerd**, Geographical Researches, No. 43 & 46, pp. 56. (*In Persian*)
44. Qadiri Masoum, M. and Akbarpour Sraskanrood, M., 2011, **An Analysis of the Role of Government in Housing Construction in the Rural Development Programs (Case Study: Fourth Development Plan)**, Quarterly of Geographical Space, Vol. 11, No. 34, pp. 74-101. (*In Persian*)
45. Qadiri Masoum, M. and Gharagozlou, H., 2012, **The Industrial Areas of Economic and Social Development of Rural Settlements (Case Study: Industrial Region Khorabad, Qom Province)**, Quarterly Journal of Economics and Rural Development Space, No. 2, pp. 1-14. (*In Persian*)
46. Rahimi, A., 2004, **Explaining the Features and Additional Processing of the Agricultural Sector and Rural industries**, Ministry of Agriculture, Tehran. (*In Persian*)
47. Rahman, M. and Wandschaneder, 2003, **Measuring the Quality of Life Across Countries: A Sensitivity Analysis of Well-being Indices**, Wider International Conference on Inequality, Poverty and Human Well-being, May 30-31, Helsinki Finland.
48. Rau, S. K., 1985, **Rural Industrialization: Policy & Programmes in Four Asian Countries**, Asian Productivity Organization, Tokyo.
49. Rezvani, M. R, Ramezanzadeh, M. and M. Mohammadpour Jaberi, 2010, **An Analysis of the Socio-economic Effects of Industrial Areas in the Development of Rural Areas, Case Study: Industrial Area Branch Soleman Abad Tonekabon**, Journal of Rural Development 18, pp. 5-26. (*In Persian*)
50. Rezvani, M., 2004, **Introduction to Rural Development in Iran**, Ghomess, Tehran. (*In Persian*)
51. Riyahi, V. and Pashazadeh, A., 2012, **Effects of Industrial Park on the Quality of Life of Rural Residents (Case Study: Grammy City)**, Journal of Rural Planning, No 2, pp. 29-46. (*In Persian*)
52. Rizwanul, Islam, 1994, **Rural Industrialization: An Engine of Prosperity in Postform Rural China**, World Development, Vol. 22, No. 11, pp. 1643-1662.
53. Rogers, D., 1978, **Industrialization in Com Benefits and the Rural Community**, Rural Sociology, Vol. 43.
54. Saeedi, A., 2005, **The Fundamental Principles of Rural Geography**, Samt, Tehran. (*In Persian*)
55. Sahraiyani, S. M., 2001, **The Iranian Economy, Organizing Small Industries, A plan to Rebuild the Economy of Iran**, Maaref, Tehran. (*In Persian*)
56. Samal, K. C., 1997, **Rural Non-farm Activities in Specific Regions of Orissa**, Journal of Rural Development, Vol. 16, No. 3, pp. 357-464.
57. Sarvar Amini, Sh., Asadi, A. and Kalantary, Kh., 2010, **Effects of Industrial Park on the Development Eshtehard Neighboring Villages**, Journal of Agricultural Economics and Development (Agricultural Science and Technology), Vol. 24, No. 2, pp. 227-238. (*In Persian*)
58. Scott, R., 2002, **Rural Industrialization and Increasing Inequality: Emerging Patterns in China**, Js Reforming Economy.
59. Shih, J. T., 1985, **Decentralized Industrialization and Rural Non-Farm Employment in Taiwan**, Association of Development Research and Training Institutes of Asia and The Pacific.
60. Smith, D., M., 2002, **The Quality of Life, Human Welfare and Social Justice**, Translated by: Hataminejad, H. and Shahi Ardebili, H., Economic and Political Information, Vol. 17, No. 185-186. (*In Persian*)

61. Soleimani, M., 2002, **The Transformation of Villages Bordering the New Industrial Cities: Case Study Alvand: Alborz**, Geographical Research Quarterly 65.126- number of 150. *(In Persian)*
62. Sundar, K., 2009, **Rural Industrialisation: Challenges and Proposition**, Commerce Wing DDE, Annamalai University, Tamil Nadu, India.
63. Taherkhani, M., 2001, **The Role of Industrial Zones in Rural Development, Case Study: Industrial Rural Areas, Markazi Province**, Geographic Researches Journal, No. 40, 45. *(In Persian)*
64. Unido, 1991, **The Role of Small and Medium Scale Industries in OIC Member States**, unido, No. 9, p. 487.
65. Wang, X., 2001, **Practicum Report Rural Industrialization in China**, Saint Marys university.
66. Zhang, X. H., 1994, **Rural-Urban Migration Restriction Capital Mobility and Rural Industrialization in China**, Chinese Economy in Transition, Vol. 29, pp. 20-26.
67. Zielinska Wczkowska, H. and Dziora-Kornatowska, K. W., 2010, **Evaluation of Quality of life (QoL) of Student of the University of Third Age (U3A) on the Basis of Socio-Demographic Factors and Health Status**, Archives of Gerontology and Geriatrics, 1-5.